



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ –
نماینر: ۸۸۶۵۴۳۲۲
www.sharghnewspaper.ir
نشانی اینترنتی:
سازمان آگهی‌ها: ۲۴۲۰۱۹۹
امور مشترکین: ۴۲-۸۸۴۳۱۳۸۸
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا –
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶



روزنامه «ایندپیندنت» لیستی از بهترین کتاب‌های سال ۲۰۱۰ را اعلام کرده است که در این لیست آثار نویسندگانی چون هاوارد جاکوبسن، کیت ریچاردز، اورهان پاموک و نیل مک‌گروور وجود دارد.

■ **سوال فینکلر/هاوارد جاکوبسن**

هاوارد جاکوبسن نویسنده و روزنامه‌نگار بریتانیایی برای رمان سوال فینکلر، برنده جایزه ادبی من بوکر سال ۲۰۱۰ شد. جاکوبسن که امسال رقابتی قدرتمندی از جمله پیتر کری (برنده دو جایزه بوکر) را در کنار خود داشت، در گیلدهال لندن جایزه ۵۰ هزار پوندی خود را دریافت کرد. سوال فینکلر به زندگی سه دوست می‌پردازد که دو نفرشان یهودی‌اند و نفر سوم دلشی می‌خواهد که یهودی باشد. رمان سوال فینکلر که یازدهمین رمان جاکوبسن است، درباره یک تهیه‌کننده رادیویی در بی‌بی‌سی است که بعد از حادثه‌ای، احساس هویتش دستخوش تغییر می‌شود. جاکوبسن خود را جین آستین یهودی می‌خواند و گفته است این کتاب درباره تصویر یهودی بودن از چشم آدمی است که بیرون ایستاده است.

■ **زندگی ا کیت ریچاردز**

ریچاردز که هم‌اکنون ۶۶ سال دارد با وجود شخصیت آرام و بی‌حاشیه در زندگی شخصی، کتابی پر از تجربه‌های عجیب منتشر کرده است که جنون ودیوانگی زندگی را به تصویر می‌کشد و زندگی‌انسان‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که همیشه در حال فرار از جهنم مواد و داروهای روانگردان و عواقب آن هستند. او خاطرات دوستان خود را در برخورد با این افراد به شکل داستانی بلند روی کاغذ آورده است. او دورانی را شرح می‌دهد که موسیقی‌های راک وارد زندگی مردم شد و این رفتارها را در زندگی مردم بیشتر کرد. او موسیقی از نوع ذکرشده را سونامی خطاب می‌کند که زندگی مردم آمریکا و بریتانیا را با خود می‌برد طوری که نمی‌توان آثاری از ویرانه‌های آن را یافت.

■ **موزه بی گناهی /اورهان پاموک**

موزه بی گناهی یکی از فروش‌ترین ترسین رمان‌های اورهان پاموک نویسنده ترک، به‌دست ترجمه به زبان انگلیسی، در بسیاری از بازارهای کتاب کشورهای غربی است. موزه بی گناهی آینده دنیای مدرن و سنتی و وجود شرقی و غربی ترکیه را بدون کوچک‌ترین تعصبی نمایش می‌دهد. پاموک در این کتاب داستان زندگی مرد جوانی از خانواده‌ای ثروتمند را به تصویر کشیده است که در مواجهه با عشق و زندگی روزمره با خود دچار نوسان و کشمکش است. پاموک در این رمان شرایط و حال و هوای شهر استانبول را در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۴ به تصویر کشیده و به نوعی سعی کرده است این داستان عاشقانه را بدون اغراق در نمونه‌ای از یک زندگی واقعی به تصویر بکشد. پاموک خود در این باره می‌گوید: «هن همواره به این اصل پایبندم که داستان‌نویس باید هر آنچه واقعیت است به مخاطبش ارائه کند و به هیچ‌وجه نباید قضاوت‌های شخصی خود را در اثر به خواننداش تحمیل کند. رمان موزه بی گناهی پاموک یکی از برترین و پرطرفدارترین آثار این نویسنده ترک است که تا امروز بالغ بر هفت میلیون نسخه از آن در جهان به فروش رفته است.

■ **تاریخی از جهان در صد شیء /نیل مک گرگور**

مدیر موزه بریتیش لندن با فرا رسیدن سال ۲۰۱۰ میلادی صد اختراع یا کشف برتر تاریخ بشر را بر زینده و قفسه دارد. از پیاپی ژائوپی یک برنمی‌آوردیونی که به صورت هفتگی در برنامه ایفنت صد اختراع یا کشف اجرا کند. نیل مک‌گرور با بررسی هفت میلیون شیء، با ارزش که در این موزه نگهداری می‌شود صد کشف یا اختراع برتر تاریخ بشر را انتخاب کرده است که در کتابی تصویری از اشیاء را به نمایش گذاشته است. این اشیاء متعلق به کشورهای مختلف دنیا، از مکزیک گرفته تا چین، از اسکاتلند تا سودان اشیاء قدیمی جمع‌آوری‌شده (۱) توسط انگلیسی‌ها را نشان می‌دهد که تاریخ و تمدن کشورها را توضیح می‌دهد.

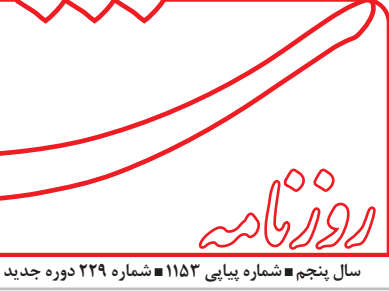
■ **هزاران پاییز ژاکوب دی زوت/ دیوید میشل**

میشل یکی از نامزدهای دریافت جایزه من بوکر در کتاب هزاران پاییز ژاکوب دی زوت، هزاران دنیا و فرهنگ را شرح می‌دهد که در جامعه ژاپنی از آن اطلاعاتی در دست افراد نیست ولی همه طبق عادات روزانه خود با سلامت کامل کنار هم به موفقیت می‌رسند. او هزاران پاییز سرزمین زاین را تحت قالب داستانی در عصری نوشته است که برای انتقال خبری چندین ماه زمان نیاز است ولی با وجود این بی خبری هیچ‌کس ضرر نمی‌کند و همان‌گونه مثل دیروز همه می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند.

■ **سکاسنس آخر**

■ **شبه‌اپرا وینفری یک میلیون بیننده داشت**

شبهه کابلی اپرا وینفری در اولین هفته پخش با استقبال بینندگان روبه‌رو شد. به گزارش خبرآنلاین، طبق آمار اولیه نیلسن که دوشنبه اعلام شد برنامه سمساعت‌ه روز شنبه شبکه «OWN: شبکه اپرا وینفری» که ساعت ۸ شب به وقت محلی پخش شد یک میلیون بیننده داشت. خود شبکه اعلام کرد بینندگان بین ساعات ۸ تا ۹ در رتبه سوم شبکه‌های کابلی (شبکه‌های کابلی که تبلیغ پخش می‌کنند) قرار گرفت. در این ساعت پخش‌هایی از برنامه‌های گذشته وینفری، «فصل ۲۵: پشت صحنه اپرا» پخش می‌شد. دو شبکه دیگر که بالاتر از «OWN» پخشاندند ESPN و «شبکه یواس‌ای» بودند. میانگین بینندگان شبکه در روز یکشنبه ۸۲۲ هزار نفر بود.



یادداشت‌های شهر شلوغ: بحثی درباره پاتوغ

از قهوه‌خانه قنبر تا فضای مجازی

جواد طوسی
نشانی نیست. در حال حاضر پاتوغ‌های شناخته‌شده شهر برجعتیمی چون تهران در «تئاتر شهر»، «خانه هنرمندان» و چند فرهنگسرا خلاصه شده و در قبال تعطیلی مکان‌هایی چون «خانه فرهنگ»، «کانون فیلم» و… جایگزین مناسبی برایشان پیش‌بینی نشده و اماکنی مثل «موزه هنرهای معاصر» و «تالار وحدت» نیز تخصص سلیاق خود را از دست داده‌اند. از میان جشنواره‌های ریز و درشتی که در طول سال برگزار می‌شوند، تنها «جشنواره فیلم فجر» ظرفیت و قابلیت جذب گسترده مخاطب را دارد. برگزار ی جشن خانه سینما هم بیشتر در یک گستره صنفی موضوعیت دارد و بر اساس ضوابط موجود، امکان حضور تجمع‌یافته‌تر در آن نیست.

علاوه بر این خلاء آشکار و نگرانی بی‌منطق برخی مدیران از گسترش این گونه مکان‌ها، در حوزه رسانه‌ای نیز با حذف برنامه‌هایی که می‌توانند به طور غیرمستقیم این خلأ را پر کنند، روبه‌رو هستیم. مثلاً در دوره‌های مختلف برنامه‌های «سینما یک»، «سینما ۴» و «سینما ماوار» با نمایش و نقد و بررسی فیلم‌های شاخص و معتبر تاریخ سینما و دیگر آثار متفاوت سینمای معاصر جهان (با دعوت از منتقدان و صاحب‌نظران و کارشناسان عرصه‌های مختلف، زمینه جذب عده قابل توجهی از علاقه‌مندان جدی سینما فراهم شد. در واقع، این برنامه‌ها به عنوان یک تریبون و فضای سالم فرهنگی می‌توانستند ساعاتی از اوقات فراغت طیف‌های مختلف جامعه را پر کنند و مباحث نو و متفاوتی را در حوزه سینما مطرح سازند. اما با حذف فزاینده تدریجی این برنامه‌ها یا منتفی شدن نقد و بررسی فیلم‌ها به وسیله افراد صاحب‌نظر، فاتحه همین فضای نیم‌پند فرهنگی نیز خوانده شد که آخرین موردش وضعیت متزلزل برنامه قدیمی و پر مخاطب «سینما ۴» در طول این چند ماه بوده است. این‌گونه به نظر می‌رسد که جامعه ما به تدریج رفتارشناسی اجتماعی و زمینه‌های ارتباطی خودجوشی که با دیالوگ رد و بدل شدن و دوستی و برخورد‌های اصیل عاطفی برگزار می‌شود را دارد از دست می‌دهد. پناه بردن به دنیای مجازی، شاید در صعر سرعت و گسترده‌گی اطلاعات موجه و اجتناب‌ناپذیر باشد ولی به تدریج منجر به تعمیم فضایی سرد و بی‌روح و فا عاطفه و… و استخاله غم‌انگیز موجودی به نام انسان خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱- با وام از کتاب تهران قدیم جعفر شهری، جلد اول

آخرین پیشنهاد: «ملک سلیمان»، «مختارنامه»

هنر مندانانه

علی عباسپور تهرانی

هنرمندانه از لحاظ میان سکناس‌ها و دکورسازی بسیار باقیات انجام شده و مشخص است که زحمت زیادی برای آفرینش این اثر قابل تحسین کشیده‌شده. من به همه آنهاپی که تاکنون این سریال را ندیده‌اند توصیه می‌کنم جمع‌هاساعت ۱۰ شب پای تلویزیون بنشینند و روایت هنرمندانه میرباقری از قیام مختار را تماشا کنند. در رابطه با آثار هنری باید بگویم به دلیل مشغله کاری خیلی وقت رفتن به گالری‌ها و نمایشگاه‌های مختلف را ندارم اما چند وقت پیش یک نمایشگاه صنایع دستی فرش در مجلس برگزار شد که من واقعاً تحت تأثیر قرار داد. نقوش روی برخی از این فرش‌ها واقعاً انقدر ظریف و دقیق حیک شده بود که فرقی با نقاشی نداشت. من با دیدن این نمایشگاه به صنعت فرش ایران واقعاً افتخار کردم. حالا همین جامی خواهم به موهوطلبانم توصیه کنم نمایشگاه‌های فرش ایرانی را خالی نگذارند و اگر جایی چنین نمایشگاهی برگزار می‌شود حضور یابند و از صنعت فرش حمایت کنند.

دغدغه روشنفکری: کافکاخوانی

دلسردی از استعاره‌ها

علی عبداللهی

دوباره می‌نویسد: «مان آنچنان بزرگ است که انگار بر سراسر آسمان نقش زده باشند و در همان جمله اولی که می‌خواهم بنویسم، گیر می‌کنم. دیگر کلام که نباید بنگارم یأس آنچه نوشته‌شده مایه وحشتم شود و دیروز از این تجربه بهره زیادی بردم.»

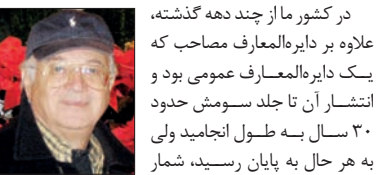
دو سه ماه پیش یک بار گریه کردم، البته این گریه در صندلی دستم‌دارم مرا از زاناد. دو بار، کوتاه، پشت سرهم، می‌ترسیدم با هق‌هق مهار‌نشدنی‌ام پدر و مادرم را در اتاق بغلی بیدار کنم، شب بود و علت آن هم جایی در زمانم. دوباره در دسامبر: «ناچارم رمان شروع نشده‌ام دوباره کنار بگذارم – خلاصه امروز برای ادامه ندانم هرچند این چندین بار چند دلیل داشتم». باز در همان ماه به فلیسده: «رمانم اگر چه به کنده‌ی، اما پیش می‌رود، فقط چهره‌اش به طرز وحشتناکی شبیه چهره من است.» همین یادداشت بسیار کوتاه، درنمایانه اصلی کافکایی در این رمان را به خوبی نشان می‌دهد، در درک رمان بسیار مهم است و نشان می‌دهد دریافت ویراستار و دوستش ماکس برود را در آثار چندنان درست نبوده است. کافکا در یادداشت‌های خود با شخصیت‌های آثارش می‌گریه، می‌خنده، زندگی می‌کند و می‌ترسد. در جای دیگری از همین یادداشت‌ها، کافکا نظر خود را در مورد نوشتن می‌گوید: «من (در این اثر) انسان تصویر نکردم، من داستان تعریف کردم. اینها تصویراتند فقط تصویر… انسان از اشیاء عکس برمی‌دارد تا آنها را ذهن بتراند. داستان‌های من نوعی چشم برهم نهانند است.» این نقل قول‌ها خلاصه بسیار شتابزده‌ای است از ۲۵ صفحه این کتاب ۲۲۸صفحه‌ای آن هم در تبت و تاب نوشتن فقط یک‌اثر کافکا.بقیه کتاب خواندنی است با کافکای واقعی پر از گوشت و خون و زندگی که به ما نشان می‌دهد.



منتقدان آنلاین «شبکه اجتماعی» فینچر را انتخاب کردند

انجمن منتقدان آنلاین سینما برندگان جوایز سال ۲۰۱۰ را اعلام کرد که فیلم «شبکه اجتماعی» به کارگردانی دیوید فینچر جایزه بهترین فیلم سال را به‌دست آورد. این فیلم همچنین جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اقتباسی را نیز به خود اختصاص داد. «شبکه اجتماعی» طی چند هفته گذشته جایزه بهترین فیلم سال را ازسوی انجمن‌های فیلم لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو، فلوریدا، لندن، بوستون، تورنتو و نیویورک کسب کرده است. «شبکه اجتماعی» که ماه گذشته نامزد جایزه بهترین فیلم و کارگردانی از جوایز گلدن گلوب شد، توسط کمپانی کلمبیا پیکچرز تهیه و تولید شده است.

تهران : اذان ظهر ۱۲:۰۹ اذان مغرب ۱۷:۴۷ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۵



در کشور ما از چند دهه گذشته، علاوه بر دایره‌المعارف صاحب‌ک یک دایره‌المعارف عمومی بود و انتشار آن تا جلد سومش حدود ۳۰ سال به طول انجامید ولی به هر حال به پایان رسید، شمار در خور توجهی طرح‌های نیمه‌تمام دایره‌المعارفی به اجرا در آمده که هر کدام توانسته‌اند تا مرحله‌ی کار را پیش ببرند. با مطالعات جدی و چندساله‌ای که پیش و هم‌زمان با کار روی دانشنامه دانش‌گستر در این زمینه داشتیم در پی پاسخ به این پرسش بودم که به چه علت کار تولید آنها به درازا می‌کشد و سال‌ها می‌گذرد و طرح به انجام نمی‌رسد. پیشنهاد می‌کنم در این خصوص سمیناری حتی چندروزه تشکیل شود و خبرگان و دست‌اندرکاران این پروژه‌ها به تبادل نظر و مرور مسائل مرتبط با چرخش و پیشرفت کار بپردازند. ولی آنچه می‌توانم به اجمال در پاسخ به این پرسش بدم که به چه علت کار تولید آنها به درازا می‌کشد و سال‌ها می‌گذرد و طرح به انجام نمی‌رسد. پیشنهاد می‌کنم در این خصوص سمیناری حتی چندروزه تشکیل شود و خبرگان و دست‌اندرکاران این پروژه‌ها به تبادل نظر و مرور مسائل مرتبط با چرخش و پیشرفت کار بپردازند. ولی آنچه می‌توانم به اجمال در پاسخ به این پرسش بدم که به چه علت کار تولید آنها به درازا می‌کشد و سال‌ها می‌افتد و این روش علاوه بر ایرادهایی که می‌شود. اساساً چگونگی تدوین دایره‌المعارف را به سه روش می‌توان برنامهریزی کرد:

۱- روش الفبایی بدون هرگونه تقسیم‌بندی - موضوعی روش الفبایی با تقسیم‌بندی موضوعی
۲- تقسیم‌بندی موضوعی کل دایره‌المعارف تا پایان کار و سپس الفبایی کردن و انتشار هم‌زمان کل دایره‌المعارف.
۳- روش ایران تاکنون مدتها بر مرسوم بود استفاده از روش دوم است که زنده‌باد دکت صاحب‌ک هم از همین روش استفاده کرده است. توضیح و تفسیر هر یک از این روش‌ها فرصت بسنده‌ای را می‌طلبد که به زمان و یادداشتی دیگر آن را موکول می‌کنم. من بعد از حدود هفت سال مطالعه و امکان‌سنجی به تهیه و تدوین یک دانشنامه دانش‌گستر پرداختم و پس از آماده شدن طرح در سال ۱۳۸۰ آن را به آقای حسینیعلی سودآور ارائه کردم و ایشان علاقه‌مند شدند روی این طرح سرمایه‌گذاری کنند. به مدت چهار سال و نیم به طور تمام وقت بخش فرهنگی را در اختیار گرفتم، مدتی به عنوان مدیر امور و ۲۰ مترجم و مولف متخصص و مجرب و ویراستاران کارآمد و نیز همکاری دوست دانشورم آقای اکبران فانی - که به علت اشتغالات دیگرشان صرفاً بر بخشی از موضوعات مربوط به ایران و اسلام نظارت عالیه داشتند-توانستم مطالب بخش فرهنگی را از الف تا ی برای کل موضوعات به پایان برسانم و این را تحویل بخش فنی بدهم. در مدت زمانی که کارهای فنی صورت می‌گرفت همکاری از جمله چند ویراستار که خود آموزش داده بودم به تسجیح و تنقیح و برخی کارهای تکمیلی و ویراستاری اشتغال داشتند که از زحمات همه همکاران و گروه اخیر که بدون وجودشان یک چنین کار سترگی امکان تحقق نمی‌یافت.قدردانی می‌کنم. اکنون که این کار به ثمر رسیده است و قرار است روز یکشنبه در مراسمی در کتابخانه ملی از این کار سترگ رونمایی شود، شایسته است، بر چند ویژگی برجسته این دانشنامه تأکید کنم.

۱- مدت زمان بی‌سابقه تهیه آن یعنی هفت سال و نیم برای یک مجموعه ۱۸جلدی به شدت غیر قابل تصور است. کار محلی که صورت وقوع یافته است.
۲ - تقسیم‌بندی موضوعی کل دایره‌المعارف یعنی استفاده از روش رسوم که نقاوش با روش دوم از زمین تا آسمان است به راستی طرحی نوست که در این پروژه بزرگ دایره‌المعارفی در افکنده شده است.
۳- آوردن شرح حال شخصیت‌های زنده ایرانی برای اولین بار در این دانشنامه از اولین کارهایی که در آخرین روزهای اجرای طرح دایره‌المعارف در پیش گرفتیم بهره‌رست هنرمندان و ورزشکاران در قید حیات کشورمان بود. برای تدوین این دو فهرست و نگارش مطالب مدخل‌های آنها زحمات زیادی کشیدیم چون هیچ منبع مدونی برای تهیه مطالب آنها در اختیار نداشتیم. از همه دوستان که نگارنده را به ویژه در این دو بخش یاری کردند ممنون و سپاسگزارم.
۴- استفاده از آخرین فناوری مدرن در تدوین دایره‌المعارف، درج اعلام و اصطلاحات در زیر هر مدخل (به جای بردن آنها در پانویس هر صفحه)، و نیز تهیه مجموعه‌ای از کلمات و اصطلاحات دایره‌المعارف که در دو جلد مستقل به زودی انتشار خواهند یافت. خود بیش از هر کس می‌دانم که این دانشنامه نقایص و کاستی‌های فراوان دارد و هم‌صدا با همه همکارانم می‌گویم که هیچ ادعایی بر کمال آن نداریم. ما را یاری کنید و از تذکار ایرادهای نارسایی‌هایمان درج نفرمایید.

■ **مترجم و طراح دانشنامه دانش‌گستر و یکی از سه سرورب‌استار ارشد آن**

سکاسنس آخر

■ **سجادپور: پروانه نمایش سینمایی «آسمان محبوب» در دست بررسی است**

«علیرضا سجادیپور» پس از نامه اعتراض‌آمیز داریوش مهرجویی برای حضور فیلم «آسمان محبوب» در بخش ویدئویی جشنواره فیلم فجر، خبر از بررسی برای ارائه پروانه نمایش سینمایی به این فیلم داد. مدیر کل اداره ارزشیابی و نظارت سینماهای حرفه‌ای وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی گفت:

«ما پولی برای پرداخت و بعد هم وقت صرف خواندنش می‌کنند. حتی برای فیلم‌هایی که پروانه ویدئویی دارند، وجود دارد اما همه آثار ویدئویی قابل انتقال نیستند و تعداد کمی هستند که معمولاً شامل کسب مجوز انتقال می‌شوند. او گفت: «انتقال پروانه ساخت فیلم «آسمان محبوب» اکنون در دست بررسی است و این امکان برای این فیلم وجود دارد.»

بازتاب: در پاسخ به یادداشت شراییم یوشیح

کار خوبی نگر دید

فریدون مجلسی
شوروی به پراگ روزی مردی مالباخته برای شکایت نزد کمندان روس رفت و چون می‌ترسید اتهایی به یک سرباز روس وارد کند، گفت: «یشتب یک سرباز سوئسی به من حمله کرد و ساعت روسی مرا زددید و اکنون شکایت دارم.» کماندان روس فکری کرد و گفت: «جان من، اولاً در پراگ سرباز سوئسی پیدا نمی‌شود، ثانیاً ساعت روسی ارزشی ندارد که کسی بخواند آن را بدزدید! لابد یک سرباز روس ساعت سوئسی تو را در زدیده است.» و سلاکی که هنوز نگران بود، گفت: «ببین کماندان، این حرف را من نزدم تو زدی!» به نظر من اتهام واردشده به سیروس طاهباز بیشتر به همان شکایت ربودن ساعت روسی توسط سرباز سوئسی شباهت دارد.

من با حیرت از این تهمت ناشایسته نگاهی به آثار سیروس طاهباز درباره نیما انداختم. تا ببینم چگونه می‌توانسته سواس‌تفاده‌ای کرده باشد! این کتاب‌ها تا جایی که ملاحظه کنم شامل «افسانه نیما» است که در سال‌های ۷۴ و ۷۹ و ۸۳ چاپ شده است. «برگزیده آثار نیما» در سال‌های ۶۸ و ۷۳ و ۷۸ و ۸۰ و ۸۳ چاپ شده است. یکی دو کتاب دیگر درباره شعر تو و نیما و شاملو… است که در فاصله سال‌های ۶۸ تا ۸۵ چاپ شده‌است، «دفترهای زمانه» و «مجموعه کامل اشعار نیما» و مرقوم می‌فرایند که «ه همه اینها سواس‌تفاده کرد» ۸۳ به چاپ و تجدید چاپ رسیده است. باید توضیح دهم که اولاً آنچه در حکم نقد و معرفی و مقایسه است که هر کسی می‌تواند چاپ کند. نامه‌ها هم که متعلق به یک نگارنده است نه نویسنده! اما راجع به آثار دیگر باید به بد نکته توجه داشت که نیما در دیام ۱۳۳۸ کردگشت. بنا بر این طبق قانون هرگونه میراث‌خواهی و ادعای طلب فقط تا ۳۰ سال پس از مرگ صاحب اثر معتبر است، و من فقط یک چاپ مجموعه آثار نیما را یافتم که مرحوم طاهباز در سال ۱۳۴۶ یعنی چهار سال پیش از پایان کار اِرت حق مولف منتشر شده بود که از چند و چون قرار دادی آن آگاه هستم. اما آیا اصل بر این بوده است که خدمات طاهباز رایگان باشد؟ بسیاری از این چاپ‌ها حتی به پس از مرگ طاهباز مربوط می‌شود. مدعی ۳۰ سال فرصت داشته‌است برای این اختلاف حقوقی که به مراجع قضایی و به قانون رجوع کند و اگر حقی از او تصدیع شده است بستندا اینکه ۱۲ سال پس از مرگ طاهباز نامش را در حد یک سواس‌تفاده‌چی پایین بیاورند در شأن آقای شراییم نیست. مخدوش کردن شأن نیمای اسطوره‌ای که جای خود دارد.

تاملات فلسفی: فلسفه ملکه علوم است

فهم تمامی جهان

سیدیحیی یثربی

هفته گذشته به یکی دیگر از ویژگی‌های فکر فلسفی، که همما «فراگیر» بودن آن است و از دیرباز به آن توجه شده، اشاره کردیم و گفتیم ما باید معرفت فراگیر انسان از جهان را به عنوان یک هدف عالی در نظر بگیریم و به نسبت بلند ی این هدف، همت خود را عالی و بلند کنیم تا هر چه بیشتر خود را به آن نزدیک‌تر سازیم. بر اساس این آرزوی دیرین که بتوانیم همه جهان را بشناسیم همیشه یک معرفت تخمینی و گاهی افسانه‌ای از کل جهان برای خود داشته‌ایم؛ از این جهت همه انسان‌ها به نوبه خود در جایگاه یک فیلسوف قرار گرفته‌اند! اما چنان که گفتیم این کار گمان و توهم بوده است، کار فلسفه و فیلسوف آن است که دانایی را جاشین این گمان و توهم قرار دهد. در اینجا یادآوری نکته‌ای را لازم می‌دانم و آن اینکه در تعریف فلسفه، اگر «موجود» یا «چود» به طور مطلق منظور شده است و احکامی را درباره موجود یا وجود مطلق مطرح کرده‌اند این معنا نیست که با این احکام ما می‌توانیم همه جهان را بفهمیم بلکه باید فهم ما به همه موجوداتی که در جهان هستند فراگیر شود. یعنی این کافی نیست که ما احکامی را درباره مفهوم موجود یا وجود بدانیم، بلکه هدف این است که ما از همه موجودات جهان هستی و روابط آنها آگاه شویم و شناخت درست داشته باشیم. از اینجاست که فلسفه، دانش همه چیز است و یکی از ویژگی‌های مهم

تفاوت دو جهان: ۵۰ نویسنده به سوالات ال پائیس پاسخ دادند

از عشق به نوشتن تا راهی برای زندگی کردن

«ال پائیس هفتگی» نظر: ۵۰ نویسنده را در مورد اینکه چرا می‌نویسند، پرسیده است. در این نظر خواهی که در آن نویسندگان اسپانیایی‌زبان بیشتر شرکت کرده‌اند، پرسیده شده است نویسندگانی را به عنوان شغل می‌دانید یا وظیفه یا روش زندگی. امادور مندوزا نویسنده اسپانیایی رمان مطرح «شهر شگفتی‌ها»، امبرئو کو نویسنده نامی ایتالیایی، لوئیس مونوز، آندرس نیومن نویسنده اسپانیایی - آرژانتینی، املی نوتوبم نویسنده بلژیکی و همچنین مانوئل ویسنت نویسنده اسپانیایی و ماریو بارگاس یوسا نویسنده پرویی - اسپانیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۰ پاسخ‌های صادقانه خود را به این نظر خواهی که دوم ژانویه منتشر شده است، نوشته‌اند. امبرئو کو تنها امری شخصی نقلی کتید و بعد هم درباره آن خود را ملزم به توضیح ندانید، اما وقتی کسی بالای خرین ترشحات ذهن شما پول می‌پردازد و بعد هم وقت صرف خواندنش می‌کند، حتی دارد این سوال را مطرح کند و احتمالاً تو نویسنده هم وظیفه داری پاسخگو باشی. حداقل برای یک بار، بعد از آن را می‌توان سپرد به داستان‌ها و گفت به این دلیل که نوشته‌هایم شهادت از این می‌دهند که برای چه می‌نویسم؟ من پاسخ روشنی برای دلیل نوشتنم ندارم. خوشی برای چه می‌نوشتنم و کار من است.»



معروف «چشم سوزن» که ۱۲ هفته نسخه به ۳۰ زبان از آن به فروش رفته است در این باره می‌نویسد: «فوق‌العاده است که زندگی خود را وقف کاری کنیم که خوب آن را می‌شناسیم.» بارگاس یوسا در پاسخ خود نوشته است: «نوشتن در مرکز هر کاری است که من انجام می‌دهم. این می‌گوید چرا می‌نویسم؟ نوشتن امری شخصی نیست، اگر این بود می‌نوشتید و بعد در کشوی میز تحریرتان باقی می‌ماند و بعد حق داشتید نوشتن را امری شخصی نقلی کنید و بعد هم درباره آن خود را ملزم به توضیح ندانید، اما وقتی کسی بالای خرین ترشحات ذهن شما پول می‌پردازد و بعد هم وقت صرف خواندنش می‌کند، حتی دارد این سوال را مطرح کند و احتمالاً تو نویسنده هم وظیفه داری پاسخگو باشی. حداقل برای یک بار، بعد از آن را می‌توان سپرد به داستان‌ها و گفت به این دلیل که نوشته‌هایم شهادت از این می‌دهند که برای چه می‌نویسم؟ من پاسخ روشنی برای دلیل نوشتنم ندارم. خوشی برای چه می‌نوشتنم و کار من است.»